

حرف حساب

از قاری قرآن تانغمه‌خوان بارادت به امام حسین (ع) رشد کردم



محمد اصفهانی / خواننده

ما در کشوری زندگی کردیم و بزرگ شدیم که از کودکی یا از نزدیک در تعزیت و سوگواری حضرت سیدالشهدا(ع) سهیم بوده‌ایم. دور شاهد این آیین‌های عزیز بودیم، بنابراین من هم از این قاعده مستثنا نبودم و تا آنجا که به خاطر دارم از همان دوران کودکی در جمع یک خانواده مذهبی در مراسم ویژه سوگواری محرم شرکت می‌کردم، حتی در زمانی که من محصل مدرسه علوی بودم یا به عنوان قاری در مدرسه حضور داشتم یا به عنوان نغمه‌خوان در مراسم و رویدادهایی که پیرامون این موضوع تشکیل می‌شد بر نامه‌هایی را اجرا می‌کردم. اتفاقاً با همین ویژگی‌ها بود که بین بچه‌ها مطرح شدم و برابرم باعث افتخار بود که طی آن دوران می‌توانستم همزمان با این ایام عزیز سهیمی داشته باشم.

نگرشی که به کارهای مذهبی دارم، همچنان دربرگیرنده حس و حال متفاوتی است که از ابتدای فعالیت‌هایم تاکنون آن را با خودم به همراه دارم. من فکر می‌کنم مقوله موسیقی، مقوله نافذ جذابی است که می‌توان از این هنر والا بهترین استفاده را کرد و آن ترویج مقوله‌های انسانی است، پس وقتی من می‌آیم و ترانه‌های شعر را به واسطه نام امام حسین(ع) انتخاب می‌کنم، از مسیری می‌خوانم که بزرگوارانی چون حضرت سیدالشهدا(ع) سردمدار یک ایدئولوژی انسانی بودند و این همان مقوله جذابی است که من را همچنان برای خوانش این اثر در کنار سایر تولیداتی که دارم، به سمت خود فرامی‌خواند.

رویداد



در سی‌ویکمین جشنواره دوسالانه فیلم «گلدن پاندا»

«یدو» نامزد بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری شد

فیلم سینمایی «یدو» و پویانمایی «جایگزین» نامزد دریافت جایزه از سی‌ویکمین جشنواره دوسالانه فیلم «گلدن پاندا» (پاندای طلایی) سال ۲۰۲۳ کشور چین شدند.

«یدو» از تولیدات مشترک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بنیاد سینمایی فارابی و «جایگزین» از تولیدات کانون است. فیلم سینمایی «یدو» به کارگردانی مهدی جعفری و فیلمبرداری مرتضی نجفی، نامزد دریافت دو جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری شد. «یدو» قرار است با ۲۵ فیلم دیگر در بخش «درام تلویزیونی» بایست کند. همچنین پویانمایی «جایگزین» به کارگردانی عبدالله علیمراد نیز نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم انیمیشن است. «جایگزین» با ۱۵ فیلم کوتاه پویانمایی (انیمیشن) دیگر از کشورهای چین، قزاقستان، روسیه، فنلاند، فرانسه، آرژانتین و آمریکا به رقابت خواهد پرداخت. آثار راه‌یافته به بخش مسابقه این دوره از جشنواره «گلدن پاندا» در چهار رشته سینمایی، درام تلویزیونی، مستند و پویانمایی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. هدف از برگزاری این جشنواره انتخاب آثار ارزشمندی است که ارزش‌های والای انسانی را برجسته می‌کند و روابط بین آنها را تعمیق می‌بخشد؛ آثاری که درک متقابل بین انسان‌ها را ترویج می‌کند. «ژانگ ییمو» که برنده اولین جایزه گلدن پاندا در نخستین دور این جشنواره بود، امسال ریاست هیئت داوران را بر عهده دارد. این کارگردان پنجم نماینده پنج نسل از کارگردانان است و فیلم‌های او جایگاه مهمی در تاریخ سینمای چین دارند. سی‌ویکمین جشنواره فیلم «گلدن پاندا» در روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ (۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳) در شهر چاندوی ایالت سیچوان چین برگزار خواهد شد.

فراسو

سیدمصطفی حسینی

در مسابقات قرآن اندونزی اول شد

سیدمصطفی حسینی مقام اول مسابقات بین‌المللی قرآن اندونزی را از آن خود کرد.

سیدمصطفی حسینی، نماینده کشورمان در مسابقات بین‌المللی قرآن اندونزی مقام اول رشته قرآنت این مسابقات را کسب کرد. حسینی پیش از این مقام دوم مسابقات بین‌المللی قرآن ترکیه، دوم جمهوری اسلامی ایران، سوم کویت، سوم روسیه و چهارم مالزی را از آن خود کرده بود، پیش از این محمود نوروزی توانسته بود مقام اول این مسابقات را در رشته حفظ کل قرآن از آن خود کند.

حسینی متولد ۱۳۷۷ شهر قزوین است که تلاوت را با سبک مرحوم منشاولی آغاز کرد و استفاده از این سبک در شهرتش نقش بسزایی داشت. او سفرهای زیادی برای تبلیغ به کشورهای مختلف داشته است.

مسابقات بین‌المللی قرآن اندونزی از ۱۰ شهریورماه در جاکارتا پایتخت این کشور آغاز شده بود. حدود سه هفته قبل علیرضا بیژنی به عنوان نماینده کشورمان در مسابقات بین‌المللی کشور مالزی حضور پیدا کرد و به مقام دوم این مسابقات دست یافت.



گزارش

جواد محرمی

برنامه‌های محله‌محور رویکرد جدید جشنواره فیلم کودک در اصفهان است و به نظر می‌رسد مدیران شهری تصمیم گرفته‌اند بر خلاف سال‌های قبل این رویداد را با مشارکت بیشتر مردم برگزار کنند.

خبرنگارانی که برخی سال‌ها می‌همان جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان در اصفهان بودند، از نزدیک شاهد تجمعاتی مقابل هتل محل برگزاری این رویداد بودند که نسبت به هزینه‌هایی که برای جشنواره می‌شد، اعتراض داشتند. این تجمعات هر چند بر تعداد برگزار نمی‌شد اما موضوعی نبود که قابل کتمان باشد؛ اعتراضاتی که از سوی رسانه‌های رسمی شهری و کشوری با سانسور مطلق مواجه می‌شد و اصلاً به چشم نمی‌آمد چرا که کسی دوست نداشت اصل ماجرا تحت تأثیر حاشیه قرار بگیرد. حالا به نظر می‌رسد پس از حدود ۴۰سال مسئولان شهری تصمیم گرفتند مردم اصفهان را در این رویداد بیش از قبل مشارکت دهند تا اینکه به نظر نرسد که یک رویداد به زعم مردم پر هزینه با حضور عده‌ای از میهمانان خارج از اصفهان انجام می‌شود که مردم خود این شهر در آن نقشی ندارند و اساساً بازی داده نمی‌شوند.

جشنواره‌های فیلم در جهان اغلب با نام شهرها شناخته می‌شوند و مردم میزبان اصلی محسوب می‌شوند و از آن استقبال می‌کنند. کمترین نسبت مردم با این رویدادها این است که کار و کاسبی آنها از حاشیه شلوغی شهر رونق می‌گیرد و همین سبب می‌شود از برگزاری یک رویداد هنری خوشحال باشند و حسن نسبی سهمی هر چند ناچیز در آن دارند اما جشنواره فیلم اصفهان با سابقه‌ای حدوداً ۴۰ساله تازه به این نتیجه رسیده است که باید تگاهی مردمی‌تر به این رویداد داشته باشد و مردم این شهر را

نمایش خانگی

افشین علیار

«حیثیت گمشده» یکی دیگر از سریال‌های شبکه نمایش خانگی است که ایده و خط روایی‌اش از فیلمفارسی‌ها کمی شبیه است؛ سبک و سیاقی منسوخ که غیرت و انتقام را به عنوان سوزو اصلی یکدیگ می‌کشد اما فارغ از نکته‌ای جدید و به‌روز مدام پست‌المان‌های نغمه دست‌وپا می‌زند.

سجاد پهلوان زاده سعی داشته است سریال‌ش را با قصه‌گویی پیوند بزند و فیلمنامه‌اش را با تعلیق‌های کم‌جان و تکراری جلو ببرد، اما آنچه حاصل شده است نمی‌تواند موضوعی دراماتیک باشد. از این لحاظ که انگار نمایانه‌ی سریال را بارها در آثار دیگر دیده‌ایم و حالا اینجا مانند تکه‌های پازل به هم وصل شده است. این اتساع نمی‌تواند چنان سریال را برای مخاطب تأثیرگذار کند، حتی مجهول بودن و ابهامات روایی نتوانسته است تعلیق‌های ماجراجویانه‌ای برای سریال ایجاد کند، به همین دلیل ایده و دامن تبدیل شدن آن به فیلمنامه، جهانی ساخته است بر ابهام که از هر مورد نظر کارگردان را با آشفته‌گی روایی پیوند زده که حاصل آن مسیر قصه را در یک ایستایی قرار داده است.

اینکه هاجر بر اثر یک حادثه در بیاورد و انتقام خون هاجر را بگیرد، می‌خواهد سر از این حادثه در بیاورد و انتقام خون هاجر را بگیرد، از اساس فیلمفارسی است، حتی تمهیدات روایی و شکل ساختار هم نمی‌تواند به اندازه کافی درام معمای به وجود بیاورد چرا که کارگردان آنقدر در دنیای عقب‌تر از واقعیت جامعه‌ایستاده است که برای بی‌ریزی سریال‌ش از تعلیق‌های بی‌کار کرد و اتفاقات خامدستانه بهره‌گیری کرده است. به طور مثال رقابت امیر و اسماعیل می‌تواند از آن رقابت‌های فیلمفارسی باشد، اینکه اسماعیل به امیر کمک می‌کند تا او راز مرگ همسرش را جویند، قطعاً دور از انتظار است. اگر چه این میزان از دلسوزی و رقابت می‌تواند در فیلمفارسی جواب دهد اما در این برهه با این میزان معرفی اسماعیل به مخاطب تعجب‌آور است. اضافه کنید که اسماعیل باعث می‌شود امیر برای رفع ابهامات ذهنی‌اش و رسیدن به راز مرگ هاجر او را به میهمانی‌هایی بفرستد که آن هم باورنکردنی است، چگونه می‌شود آدم بی‌دست و پای مانند امیر از آن میهمانی‌ها اول فرار کند و باز هم اسماعیل به کمک او بیاید، اینجا جاست که دوباره فیلمفارسی شکل می‌گیرد. تصور می‌شود کارگردان برای اینکه از امیر و اسماعیل قهرمان بسازد، تلاش‌هایی کرده است اما منطقی روایی و درام به



وقتی جشنواره فیلم کودک یادی هم از مردم اصفهان می‌کند!

جشنواره فیلم اصفهان با سابقه‌ای حدوداً ۴۰ساله تازه به این نتیجه رسیده است که باید تگاهی مردمی‌تر به این رویداد داشته باشد و مردم این شهر را به مشارکت جدی فراخواند؛ مشارکتی که امید می‌رود بیشتر شکلی و تصنعی نباشد بلکه جدی و حقیقی باشد



به مشارکت جدی فراخواند؛ مشارکتی که امید می‌رود بیشتر شکلی و تصنعی نباشد بلکه جدی و حقیقی باشد.

میثم بکتاشیان، مدیر اجرایی سی‌ویکمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان در نشست هماهنگی برگزاری این رویداد که با حضور تعدادی از مدیران ستادی تهران و جمعی از مدیران کمیته‌های ستادی اصفهان در شهر اصفهان برگزار شد با تأکید بر تلاش همکاران در حوزه‌های مختلف گفت: امیدوارم امسال با تغییر رویکردها و محتوایی شدن اقدامات، برنامه‌های محله‌محور که جزو رویکردهای دوره کنونی مدیریت شهری است با قوت بیشتری پیش برود.

مدیر اجرایی سی‌ویکمین دوره جشنواره در اصفهان عنوان کرد: صحبت از اصفهان یا تهران در ادبیات ما نیست و به عنوان یک پیکره واحد در حال پیشبرد برنامه‌های جشنواره هستیم. همه مردم ایران باید از جشنواره بهره‌مند شوند

کمال حیدری، معاون فرهنگی شهردار اصفهان نیز در این نشست اظهار کرد: اصفهان جشن زندگی است و برگزاری آن ارزشمند به نام اصفهان برگزار می‌شود اما نکته‌ای که همیشه آن را فراموش کرده‌ایم، مخاطب اصلی این برنامه یعنی کودکان و نوجوانان هستند.

ادای دین «حیثیت گمشده» به فیلمفارسی‌ها



سجاد پهلوان زاده سعی داشته است سریال‌ش را با قصه‌گویی پیوند بزند و فیلمنامه‌اش را با تعلیق‌های کم‌جان و تکراری جلو ببرد، اما آنچه حاصل شده است نمی‌تواند موضوعی دراماتیک باشد. از این لحاظ که انگار نمایانه‌ی سریال را بارها در آثار دیگر دیده‌ایم و حالا اینجا مانند تکه‌های پازل به هم وصل شده است



شدت پنهان است و کارکردی ندارد، کارگردان از امیر یک آدم بی‌دست‌وپا ساخته است که نمی‌تواند با همسر خود ارتباط نزدیکی داشته باشد. چیزی از زندگی آنها نمی‌بینیم جز یک سالگرد ازدواج است که آن هم نمی‌تواند نشانی از چگونگی ارتباط آنها باشد و به نوعی اختلاف هاجر و امیر برای مخاطب پررنگ می‌شود، حالا با مرگ هاجر کارگردان سعی داشته است میزان غیرت این کاراکتر را بالا ببرد اما در این میان نکته‌ای که مهم است اینکه امیر برای غیرت خودش به دنبال چرابی مرگ هاجر می‌رود، برای اینکه بداند هاجر زمان مرگش از چه کسی با یادار بوده و اگر نه ما نکته‌ای از عشق امیر به هاجر نمی‌بینیم تا نشانه تلاش‌های امیر برای رسیدن به راز مرگ او از عشق به او باشد، از سوی دیگر فیلمنامه آنقدر سست و بی‌قاعده است که مخاطب از همان اول نقش فرسار را در این ماجرا

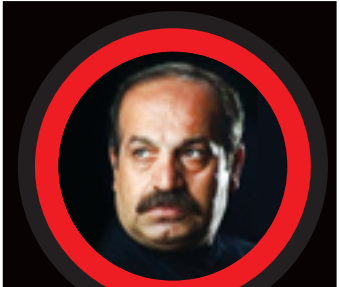


وودی آلن در وینز از رؤیای فرانسوی بودن گفت

وودی آلن در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم وینز حضور یافت تا به معرفی فیلم جدیدش بپردازد.

وودی آلن برای اولین نمایش جهانی «کودتای شانس» به جشنواره فیلم وینز بازگشت تا یک فیلم هیجان‌انگیز عاشقانه را که پنجاهمین فیلم کارنامه‌اش و احتمالاً آخرین فیلم بلندش باشد، معرفی کند. نمایش این فیلم فرانسوی‌زبان در یکی از جشنواره‌های بزرگ اروپا، نشان‌دهنده ادامه روابط گرم این کارگردان و این قاره است.

خبرنگار ورایتی در این ارتباط می‌نویسد: وقتی باهم در هتل اکسلسیور برای مصاحبه می‌نشینیم، به من می‌گوید: ایده‌های زیادی برای فیلم‌ها دارم که وسوسه می‌شوم سراغ‌شان بروم، البته اگر تأمین مالی این کار آسان باشد، اما فراتر از آن، نمی‌دانم آیا همان‌قدر علاقه دارم که بیرون بروم و زمان زیادی را صرف جمع‌آوری پول کنم یا نه. آلن در پاسخ به این سؤال که چرا آخرین فیلمت را در فرانسه ساختی توضیح می‌دهد: «وقتی داشتیم بزرگ می‌شدیم، همه فیلم‌هایی که در نیویورک از دیدن‌شان هیجان‌زده می‌شدیم یا از ایتالیا بودند یا فرانسه یا سوئد و همیشه آرزوی می‌کردم کاش در فرانسه به دنیا آمده بودم و می‌توانستم یک فیلمساز فرانسوی باشم. من خیلی طرفدار تروفو و گدار بودم و این فرصت را هم پیدا کردم که با آنها آشنا شوم و حتی با گدار کار کنم. او فیلمی ساخت که از من خواست در آن حضور داشته باشم. او تأثیر زیادی بر سینما داشت و این همه چهره فرانسوی؛ شابرول، رنه و نواره، دیوانه‌شان بودم، برای همین همیشه دوست داشتم فیلمسازی فرانسوی باشم و البته نمی‌توانستم چون یک فیلمساز نیویورکی بودم و از آنجا که این پنجاهمین فیلم من است، فکر کردم به خودم هدیه‌ای بدهم تا به خودم خوش بگذرد.»



ماقلی‌پور و روایتی از لحظه جان‌دادش

من از کسانی هستم که یک بار جان دادم و در لحظه جان‌دادن به یاد بچه‌ها و تمام وابستگی‌هایم بودم و در آن دوره مرگ موقت، سراسر کودکی و زندگی‌ام مرور شد.

رسول ماقلی‌پور ۲۲سال قبل در یک گفت‌وگو حرف‌های صریحی زده که ایستنا به مناسبت سالروز تولدش بخشی از آن را بازنشر داده است.

تعصب نداشتن در فیلم ساختن بسیار مهم است، ولسی اکثر مسئولان فرهنگی ما نتوانسته‌اند این تعصب را از خود دور کنند و تنها با دیدگاه سودجویانه و متمصبانه، سینمای چنگی را که می‌توانست سراسر دنیا را تسخیر کند، از بین برده‌اند!

من، هنگامی که برای یافتن هویت خودم به جبهه رفتم، فردی بودم که حتی از تاریکی می‌ترسیدم، در آبادان بود که صدای سوت خمپاره‌را شناختم و به عنوان خبرنگاری که نه حق نوشتن داشت، نه حق عکاسی، با هاجر شمیمانی از ثبت‌نکردن واقعه‌های بین راه ماهشهر، نخستین تصاویر مستند جنگی‌ام را گرفتم. همچنین برخلاف تکذیب‌های برخی در مورد حضور زن در جنگ، آن را در عکس‌هایم ثبت کردم.

دیده‌های من، دیده‌های تلخی بود، هرگز نفهمیدم چرا از ورود آنبوه جوان‌هایی که عاشقانه برای دفاع خرمشهر داوطلب شده بودند، به این شهر جلوگیری کردند و از سوی دیگر، جوان‌های اندکی که در داخل شهر بودند به تنهایی مجبور شدند در برابر عراقی‌ها-با آن همه تکنولوژی-مبارزه کنند.

رومنو و زولیت، لیلی و مجنون در برابر عشق‌هایی که در بین زرمندگان و خانواده‌های‌شان بود، هیچ است. هنگامی که بدن خونین امام حسین(ع) در قتلگاه افتاده بود، لشکریان یزید برای اینکه بدانند او زنده است یا شهید، به اهل‌سپید حمله کردند. آن‌گاه بود که حسین(ع)، چون رد به سوی آنها بورش برد و به سمت خانواده‌اش شتافت. شهدای دفاع مقدس ما هم عاشق خانواده‌شان بودند.

تاریخ

محمد اصفهانی

نقشه